



نقد ساختاری بر فیلم «شکاف» ساخته کیارش اسدی‌زاده

## صرفاً جهت اطلاع خانواده!

■ **محسن غلامی (قلعه سیدی)**

مخاطب سینمای ما فیلم خانوادگی دوست دارد، چه شیرین باشد و چه تلخ البته از داستان تکراری، فراری است و از اغراق و شعار هم دلش رضایتست پای هر فیلمی بنشینند. برایش قصه و نوع نگاه فیلمساز به خانواده مهم‌تر است. اما می‌شود از ایده تکراری، فیلمنامه خوب نوشت و زاویه دید را عوض کرد. مثل کاری که کیارش اسدی‌زاده پس از فیلم محفلی و دورهمی «کس»، این‌بار خواسته به‌طور آبرومند در «شکاف» انجام دهد البته نصف و نیمه. می‌شود اسمش را گذاشت بحران در خانواده شاید. روایت دو خانواده در عرض و با هم که یکی فرزند طلاق دارد و دیگری برسر دوراهی برای داشتن یا نداشتن فرزند است. قصه‌اش «چه‌محور» است! خیلی سعی کرده قلم و تکنیک فیلم، جدی باشد ولی در ابتدا اینکه «شکاف» نمی‌شود زیادی جدی گرفت چون بضاعتش خیلی نیست. درد دارد و نگاهش به خانواده و دوست‌داشتن، قابل تأمل است. با این حال بعد از اینکه می‌گوید درش چیست از یک نقطه دیگر کسسل‌آور می‌شود. پس یک جایش حتماً می‌لنگد به گمان من در محتوا پوری یک خطی آن است.

■ **تعلیق و جذابیت را در بایدید**

«شکاف» در آغاز چار می‌زند که هدفمند است چه مثبت چه منفی، برای نوشتنش فکر شده، خطرپذیر است و می‌داند چطور، به فینال بچسبد ولی به عنوان اثری که صرفاً قصه بدنه دارد و لاغیر، زیادی طول می‌کشد. حیف نیست که خرده روایت به آن اضافه نشده؟ شاید از یکنواختی درمی‌آمد. کما اینکه داستان را لفت می‌دهد؛ چقدر «پیمان و سارا» کلافه‌اند که بالاخره بچه‌دار بشوند یا نه؟ در پایان نیز به جواب نمی‌رسند و به عهده بیننده می‌گذارند(با نپایان‌های قابل تفکیک).

فیلم دنبال پنهان کاری و خالی از اصل غافلگیری است و نقطه عطف کم دارد. فقط یک گره دارد که چرابی سرفه کردن لیلیا و تاحدودی مشکل زاننه سارا باشد. تعلیقش هم چند ساعت مربوط به قیل و بعد مرگ اوست که نقطه اوج است. بقیه سکانس‌ها نه اینکه زیادی باشند اما دور تکرار می‌زنند چون جذاب نیستند. یا دعوای «فرهاد و نسیم» است یا بلائیکلیبی زوج دیگر، روی نقطه تقابل و کشمکش شخصیت‌ها توجه کرده که بیشتر خاکستری‌اند. بالاخره این آثار که دستت روی سوزه ملتهب حی حاضر می‌گذارند، نباید در سد مخترانی بیفتند چون مسر و کارش باید با درام باشد. حرفی در فرم و تکنیک بروز دهد. درجایی بیننده را به صندلی بچسباند. دارای اکت و ری‌اکشن باشد، چه حال تماشاگر را خوب کند و چه حتی بد، ایرادی ندارد چون حقیقت همیشه شیرین نیست. مهم اثرگذاری است که با کنش فیلمساز و واکنش بیننده به‌دست می‌آید. بدر اینکه در برخی جاها به ویژه در تکنیک **شبیه‌جندایی** نادر از «سیمین» می‌شود!

■ **زیایش هشدار دارد، رفق ندارد**

معنی برخی گرم کردن‌ها را نمی‌فهمم! بازیگری

که مثلاً از حمام بیرون می‌آید یا درون استخر است چرا باید پودر رُز و غیره داشته باشد؟ محدود مثل استخر، ماشین و چار دیواری خانه می‌گذرد. گرچه از کسنتینگ بازیگران فیلم، ایرادی نمی‌توان گرفت بالاخره سلیقه‌ای است در عین اینکه کارشان با کیفیت است و برای نقششان، شخصیت دارند. زهر لوکیشن و سکانس‌های نسبتاً تکراری با بازی روان اینها تا حدودی گرفته می‌شود (مثل سکانس دعواهای پیروزفر و دولشاهی یا شوک مرگ ایلیا).

تلخی فیلم گزنده است؛ اصطلاحاً نیش می‌زند. در نگاهش به طلاق و مسئولیت نسبت به بچه، قصدش حفاظت است نه تخریب. اما این نیت فیلمساز است صرفاً به‌طور بالقوه. حرفش را هم زده به جامعه منظر که زوجین باشد، ولی بیشتر بز-در رو شده. یعنی حرفش اقناع نمی‌زند. زیادی همه چیز را به عهده تصمیم مخاطب می‌گذارد. توجه کنید به دو سکانس پایانی؛ بالاخره کدام یک؟ باز هم بیننده تصمیم بگیرد؟ «شکاف» وجه رئالیستی مشهودی دارد. در واقع طبیعی روایت می‌شود، زنده است مثل همین آدم‌های دور و بر خودمان هستند؛ چون کارکترها درآمده‌اند. حتی ورجی‌های زیاد از حد بازیگرانش اعصاب‌خردکن نیست. ولی دقت کرده‌اید در هر سکانس یا نهایتاً هر پلان، بالاخره صدای موبایل درمی‌آید! انگار که گوشی هم یک با بازیگر فیلم است! لابد در مونتاژ کسی حواش نبوده.

■ **اصل را فدای فرغ نکنید**

البته کارگردان چه بسا مثل فیلم اولش، در بزرگه‌هایی اینجانیضبطت دارد! این‌بار به شکل محترمانه. چنانکه امکان دارد برخی به سکانسی مثل شوخی‌زوج حمیدیان یا توسلی در مورد تولد بچه یا سکانس بعد از دوش گرفتشان در شب، خرده بگیرند که ناحق هم نیست. این جنس روایتگری شاید جذابیت لحظه‌ای درست کند اما ممکن است باعث پس زدن برخی مخاطبات بشود. بالاخره فیلمی که ادعا دارد نباید دست به دامن هر شاخ و برگ اضافه‌ای به قصه‌اش بشود. نقد جدی است و چکش به کاری می‌زند که جدی ساخته نشده بشود؛ ابایی هم نداریم که بگوییم «شکاف» نیز می‌توانست چنین اثری باشد اگر کمی جمع و جورتر ساخته می‌شد و داستانش را تو در تو می‌پُرَد. است است که باشد. تکنداژ طلاق و مرگ باید طلب شادی کرد. ولی یادنا باشد که چرکی بار محتوای سوزه با کسدر کردن رنگ تصویر به‌دست نمی‌آید. کلام آخر اینکه حداقل «شکاف» برای کارگردانش نقطه عطفی است و او گذاشتن روی پله بالاتر، ولس نباید دلخوش کند چون قوام فیلمش به بازی‌هاست و کلیک‌خور بودن موشوش، و نه درام‌پسا حتی اوچش که تراژیک می‌شود. سینپاس خوبی دارد که می‌شد آن را بیشتر پروراند و جس تنش آن را با تعلیقات، برای بیننده بیشتر کرد.

## انتشار کتاب اقتصاد مالی فابوزی

نظره‌ها به تحت عنوان «الگوهای قیمت‌گذاری با عامل نزئیل تصادفی» مطرح شدند. از سوی دیگر طرح موضوعات اقتصاد اطلاعات و نامتقارن بودن اطلاعات در عرصه مالیه طی دهه گذشته موجب شد حیطه مطالعات و تحلیل‌ها در مالیه گسترده‌تر، عمیق‌تر و واقعی‌تر شود. در پی این تحولات طی دو دهه اخیر نیز کتاب‌های متعددی با رویکرد تحلیل اقتصادی - مالی نوشته شده‌است. در این کتاب سعی شده است کلیدی‌ترین مفاهیم علم مالیه همچون ساختار سرمایه، ادعای مشروط، اندازه مخاطره، قیمت‌گذاری دارایی‌ها، مشتقات مالی، بودجه‌بندی سرمایه و نواقص بازار مالی در هفت بخش مشتمل بر ۲۶ فصل و پیوست‌های تکمیلی با نثری ساده بیان شود. بهای جلد اول و دوم کتاب اقتصاد مالی به ترتیب، ۱۴ و ۲۰ هزار تومان می‌باشد، که توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در ۹۴/۰۴/۲۱ به‌نشر رسیده‌است. مرکز بخش و نمایشگاه دائمی این کتاب در تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ایوریحان، شماره پلاک ۰۹ و ۱۰۷ به شماره تلفن ۶۶۴۰۸۱۲ واقع شده‌است. کتاب اقتصاد مالی فابوزی برای دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «اقتصاد مالی» به ارزش ۳ واحد ترجمه شده است و برای رشته‌های مدیریت مالی و مهندسی مالی نیز قابل استفاده‌است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.



کتاب اقتصاد مالی در دو جلد به قلم فرانک اودیون، اچ نیوو گوفو زو و ترجمه فارسی بهار ه رعیانی و رضا طالیلو توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به چاپ رسیده‌است. به گزارش «جوان»، همانطور که از نام کتاب، اقتصاد مالی پیداست این کتاب در دو جلد که مجموع آن بیش از ۱۰۰۰ صفحه‌است، با رویکرد تحلیل اقتصادی - مالی نوشته شده‌است. دانش مالیه نون بعد از رساله دکتری هر ی مار کوویتز در زمینه سید بهینه دارای‌های مالی وارد مر حله جدیدی شد و بعد از وی افسرادی همانند شار به و لیتنر به تکمیل نظر به‌های مربوط به قیمت‌گذاری دارای‌ها پرداختند. علاوه بر این در نظر به‌های نون قیمت‌گذاری شکل‌های گسترده‌تری از

# فرهنگ‌و‌هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

ایرانی مقیم امریکا:

# نماز و لقمه حلال پسرم را از سبک زندگی امریکایی حفظ کرد



■ **معصومه طاهری**

دکتر نادر دانش کرمانشاهی است و برای تحصیل به امریکارفته و در سه تا چهار رشته درس خوانده است. او به دلیل فعالیت‌های سیاسی‌اش در انجمن اسلامی دانشجویان از امریکا اخراج شد. نکته جالب در مورد ایشان آن است که با وجود اینکه سال‌ها از رفتن به امریکا منع شده بود و تنها فرزندش در دالاس ایالت تگزاس زندگی می‌کرد اما با همه وسوسه‌های موجود در این شهر فرزندش فردی مذهبی می‌شود، زنده است و متعهد شده است.

■ **چطور شد امریکا رفتید؟**

قبل از انقلاب برای تحصیل در رشته علوم سیاسی و اقتصاد به امریکا رفتم. بعد از انقلاب برگشتم و دوباره سال ۱۹۸۲ در مقطع دکتری علوم اقتصاد و سیاسی از دانشگاه ایالتی شمال تگزاس در حومه دالاس درسم را در این رشته تمام کردم و یکی مدیریت دانشگاهی و اقتصاد و دیگری علوم سیاسی و اقتصاد گرفتم، فقط باید ترم را می‌گرفتم که دیپورت گردند.

■ **جالب است چطور چند مدرک لیسانس و فوق لیسانس گرفتید؟**

با همسرم همزمان درس می‌خواندیم. ایشان فوق لیسانس مدیریت گرفتند من خودم چهار تا لیسانس گرفتم. مدیریت بازرگانی، مدیریت اداری، علوم سیاسی و اقتصاد که علوم سیاسی را بعد از فوق لیسانس گرفتم چون برای فوق لیسانس اگر مدرک نزدیک داشته باشیم می‌توانیم در آن رشته درس بخوانیم. همیشه واحد درسی زیادی می‌گرفتم اگر تعداد واحد زیاد می‌شد قیمتش بالانمی‌رفت من هم علاقه به درس داشتم در رشته‌های دیگر مثل فیزیک و نجوم حتی ژنتیک واحد برداشتم که شهریه نمی‌خواست.

■ **چرا شما را از امریکا اخراج کردند؟**

با تعدادی از منافقین درگیر شدیم. آنها آمده بودند برای سخنرانی که جنجالی درست شد الان نمی‌توانم ببه امریکا برگردم. به من ویزای توریستی هم نمی‌دهند حتی از طریق همسرم و پسرم است که دنیا آمده است به من ویزا ندادند چون در دانشگاه دعوا درست شد. سخنران انجمن اسلامی تگزاس بودم در مخالفت با منافقین، هر وقت برنامه داشتم یا روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون می‌آمدند و انعکاس می‌دادند. همه اینها

پرده برداری از پوستر چهاردهمین دوره جشنواره امام رضا(ع)

## وزیر ارشاد از «سبک زندگی رضوی» رونمایی کرد



اطلاع‌رسانی جشنواره امام رضا(ع)، آیین رونمایی از پوستر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) که جنجالی علی‌اصغر کاراندیش مروتی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ارشاد، علیرضا رشیدیان استاندار خراسان رضوی و سیدجواد جعفری دبیر جشنواره امام رضا(ع) برگزار شد. جنتی در این مراسم، همچنین از تازه‌های نشر بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) شامل «سبک زندگی رضوی (۴ مجلد)، حدیث رضوی، صحیفه رضویه جامعه (چاپ جدید)، هشتمین خورشید، زمستان زریاب و رادیو و تلویزیون و شماره یازدهم فصلنامه فرهنگ رضوی» رونمایی کرد.



را به عنوان مدرک علیه من جمع کردند

الان همسر امریکارفته ولی به من اجازه رفتن ندادند.

■ **از شخصیت‌های مشهور انجمن کسی را به خاطر دارید؟**

بله! آقای تخت روانچی، آقای ظریف و دکتر شیوا که مسئول شورای رقابت است اینها جزو دانشجویان بودند.

■ **خاطر‌های از مسایون امروز در آن زمان نداشتید؟**

زمانی که آنجا بودم هم‌دیگر را به اسم کوچک صدا می‌کردیم و فامیل هم را نمی‌دانستیم برای همین چیز زیادی به یاد نیست فقط اینکه آن زمان از بچه‌هایی که سازمان ملل رفته بودند دوستی بود که دکتری شیمی از دانشگاه ما گرفته بود با رایجی خراسانی دوست بود از من خواست که جای او را بگیرم قبول نکردم دکتر ظریف به جای من رفت و پیشرفت کرد. (خنده)

■ **شما فرزندی دارید که در تگزاس متولد و بزرگ شده در حالی که در فضای خشونت‌بار و پرشهادت‌آمیز آن هم تگزاس، فرزند شما مذهبی و مقید به شرع است؛ چه کردید تا متأثر از محیط نباشد؟**

طبق حدیث پیامبر او را از هفت سالگی به نماز عادت دادم الان حتی زودتر از من اقامه نماز می‌کند و همین مهم بود. حول و حوش ۱۱ سالگی روزی می‌گرفت و به امورش نسبتاً زیاد هستند مرکز یهودی می‌بردمش تا در سینه‌زنی شرکت کند به نظرم اساس تربیت پسرم اهمیت به نماز و واجبات بود. خانواده دار دارد که معتقد شده بود مسیحیان و نژادپرست‌ها به

■ **چرا اینقدر به این مباحث پایبند بودید؟**

مسیحیان آنجا تبلیغ مسیحیت می‌کردند با خودم گفتم اینجا تبلیغ می‌کنند چرا من قرآن نخوانم؟ شروع به خواندن قرآن کردم می‌دیدم مثلاً در سوره جمعه، دستور برای نماز جمعه است البته واجب نیست اما برای حفظ دین با دوستان به این نتیجه رسیدیم که با همان تعداد کم پنج نفری نماز جمعه داشته باشیم. امروز محل نماز ما تبدیل به یک مسجد بزرگ و مرکز فلسطینی‌ها در دالاس شده‌است. با اهل تسنن بیشتر ارتباط داشتیم چون در دالاس شیعیان کم بودند و ارتباطات دوستان سنی و امریکایی جنوبی با بچه‌های ما دوست شده بود و همدردی می‌کرد. دیدم او یک خانه معمولی کوچک بود بعدها

توضیح دادم قبول کرد و او هم مسلمان شد... اما در کل به نظرم بهترین شیوه تبلیغ مساجد هستند که باید در امریکا مساجد فعال‌تر باشد تا بتوانیم اسلام شیعی را معرفی کنیم.

■ **شما ظاهر از زیاد اهل بحث بودید در مورد تشیع دیدگاه‌ها آنجا چطور بود؟**

در جنوب دالاس مسجدی بود امام جماعتی داشت که گاهی دعوت می‌شد به مسجد ریچارلسون که اسم شهر بود. فردی به اسم یحیی امام جماعت آنجا بود که هنوز هم هست ما به مسجد آنها می‌رفتیم تا با سباهوستان مرتبط شویم. بیشتر تنهایی می‌رفتم. یک بار دیدیم امام جماعت درباره امام زمان(عج) صحبت کرد. گفت وارث دین پیامبر، امام زمان است. من معترض شدم و ماجرای غدیر را بیان کردم، یک عده خواستند به من حمله کنند امام جماعت مانع شد. فردی خنده‌رو و خوش مشرب بود و گاهی با هم ارتباط داشتیم یا به یاد می‌آورم درمسجد عرب در الدتون که پاکستانی‌ها ساختند، ولی عرب‌ها مالک شدند گاهی خطبه‌هایی می‌خواندند که شیعه‌ها اینگونه هستند من وسط خطبه اعتراض می‌کردم. یک بار به امام جماعت آنها که از عربستان سعودی و آدم مطعی بود نهج البلاغه‌ای را که داشتیم، دادم و قسمتی که امام علی می‌فرماید خلافت را به نایق غصب کردند را نشان دادم گفتم این را بخوان. کتاب بار برد و دیگر به من نداد. از این اتفاقات زیاد بود اما چون

سخنرانی‌های من علیه سیاست‌های امریکا بسود دیگر به من ویزا نمی‌دهند در حالی که همسرم و پسرم می‌توانند خانواده را دعوت کنند ولی روی ویزای من نوشتند هرگز به تو ویزا نمی‌دهیم. من علوم سیاسی می‌خواندم حرم را همیشه می‌دم غافل از اینکه اینها پرورنده علیه من شده بود یعنی آنجا در عین حالی که آزادی بیان هست ولی برای شما پرورنده می‌شود.

■ **دالاس و تگزاس به فساد مشهورند چطور فرزند خودتان را در مقابل وسوسه حضور در این مکان‌ها بیمه کردید خصوصاً وقتی شما دیگر اجازه ورود به امریکا را نداشتید؟**

در دالاس محلی بسود به نام خیابان گرینول تمام مشروب فروشی‌ها و بارها اینجا بودند ولی پسرم از این فضاها دور بود چون به پایبندی بود. به نظرم اگر از همان بچگی آموزه‌های دینی را به بچه‌ها یاد بدهیم مصون می‌شوند و یک علت دیگر هم لقمه حلال است. خیلی توجه می‌کردم مراقب بودم غذای حلال تهیه کنم. وقتی مادرش گفت این‌ها هم بگویم که برنا از همان اول در امریکا فارسی صحبت می‌کرد. به او گفته بودم حق نداری با ایرانی‌ها انگلیسی صحبت کنی آنجا ایرانی‌ها با هم فارسی حرف نمی‌زنند چون همه امور به زبان انگلیسی است برای همین خودم به او فارسی درس دادم.

## گرمیاداشت حماسه مردم امل

### در شبکه مستند

شبکه مستند با بخش قسمتی از مجموعه «سیمیرغ» در شب سالگرد حماسه مردم امل، تصاویری از این واقعه را روی آنتن می‌فرستد و سخنرانی امام (ره) در آغاز مجلس شورای اسلامی را نیز بخش می‌کند.

به گزارش روابط عمومی شبکه مستند سیما، «سیمیرغ» با گزارشی پیرامون حادثه امل در سال ۱۳۶۰ ساعت ۱۲:۵۳ دوشنبه ۵ بهمن روی آنتن می‌رود. در این قسمت از «سیمیرغ» سخنرانی ناصر شعبانی فرمانده وقت سپاه شهرستان امل در بهمن ۱۳۶۰ درباره جزئیات این حادثه بخش می‌شود. این برنامه سه‌شنبه ششم بهمن نیز ساعت ۱۲:۲۲ در نوبت بازپخش قرار دارد. همچنین قسمت دیگری از «سیمیرغ» شامل پیام حضرت امام خمینی (ره) در آغاز مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه هفتم بهمن ساعت ۱۳:۵۱، روی آنتن می‌رود.



به اندازه یک نقطه

منتشر شد



داستان بلند «به اندازه یک نقطه» نوشته ژیلآ تقی‌زاده، منتشر شد. داستان مستند در میان گونه‌های متعدد داستان‌نویسی در ایران، جدای از این که در میان نویسندگان گونه‌های مهجور مانده است، کمابیش کمتر زائقه مخاطبان ایرانی با آن آشنا شده‌است؛ تا جایی که حتی مترجمان ایران نیز در سال‌های گذشته کمتر تمایلی به انتشار این دست از آثار داشته‌اند. با این وجود با گذر زمان و خلق موقعیت‌های تازه زیستی در میان جوامع شهری، لزوم نگارش و تعریف داستان مستند و نیز نیازسنجی مخاطبان از مواجهه با چنین آثار حاکی از علاقه‌مندی به آنهاست و شاید بشود گفت که جامعه اسیر از جنبه اطلاعات و اخبار، شهروند خود را بیش از هر چیز مستند و نیازمند مواجهه با حقیقت بار آورده و به همین دلیل او نیز در دل داستانی بیش از تخیل نویسنده به دنبال استناداتی است که بتواند نسبت میان دنیای او با واقعیت را فراهم سازد.

داستان بلند «به اندازه یک نقطه» نوشته ژیلآ تقی‌زاده داستان‌نویس معاصر نیز از همین عنصر برای مواجهه با مخاطب خود استفاده می‌کند. تقی‌زاده در ابتدای داستان خود، بیماری تازه‌مکشوف و لاعلاجش را به مخاطب معرفی می‌کند؛ شرحی مختصر از چگونگی آشنایی کاراکتر با این بیماری ارائه و آن را جزئی از شخصیت وی قرار می‌دهد که در تمام طول داستان نوع رابطه وی با سایر افراد و شخصیت‌های داستان را به واسطه این بیماری تعریف می‌کند و جدای از این بستری را نیز برای معرفی تپ‌های شخصیتی خود و نیز درک کنش و واکنش‌های آنان در مواجهه با همدیگر فراهم می‌سازد. کتاب نیرستان «به اندازه یک نقطه» را در ۱۶۰ صفحه و با قیمت ۹۵۰۰ تومان منتشر کرده‌است.



## «نان زرین بر سفره آهنین» در رادیو

علاقه‌مندان به نمایش‌های رادیویی می‌توانند روز سه‌شنبه، شنونده نمایش رادیویی «نان زرین بر سفره آهنین» ببه کارگردانی اکبر زنجانیپور از رادیو نمایش باشند. این نمایش رادیویی را میرزا شریف‌زاده براساس داستانی تاریخی - افسانه‌ای به صورت نمایش رادیویی تنظیم کرده‌است. در این نمایش رادیویی هنرمندانی چون محمد یگانه، فریا طاهری، محسن بهرامی، کرمان رودساز، محمد شریفی مقدم، احمد گنجی و تعداد دیگری از هنرمندان اداره کل هنرهای نمایشی رادیو به ایفای نقش پرداخته‌اند. «نان زرین بر سفره آهنین» ببه تهیه‌کنندگی: اشرف‌السادات اشرف‌زناد، صدایرادیو: رضا طاهری و افکت: محمدرضا قیادی‌فر، سه‌شنبه ساعت ۹:۴۰ از رادیونمایش پخش می‌شود.



## سب شاعر به جواد محقق رسید

بیست‌ویکمین مراسم سب شاعر با نکوداشت «جواد محقق» برگزار می‌شود. بیست و یکمین سب شاعر سازمان هنری رسانه‌ای اوج به موضوع نکوداشت شاعر انقلاب اسلامی «جواد محقق» اختصاص یافت. محقق از شاعران و نویسندگان و روزنامه‌نگاران باسابقه کودکان و نوجوانان و بزرگسال در کشور به شمار می‌رود و در حال حاضر نیز معاون شعر بنیاد شعر و ادبیات داستانی است. این مراسم با حضور جمع کثیری از اساتید و علاقه‌مندان ادبیات، روز سه‌شنبه، ششم بهمن ماه ۹۴، ساعت ۱۵ در نخلستان سازمان هنری رسانه‌ای اوج واقع در خیابان آیت الله طالقانی، خیابان شهید برادران مظفر(شمالی)، شماره ۹۸ برگزار می‌گردد.